حادثه‌ها

کلاهبرداری به بهانه فروش ویژه جشنواره زمستانه

● **شرق:** متهمی که با درج آگهی فروش ویژه جشنواره زمستانه از شهروندان کلاهبرداری می‌کرد، دستگیر شد. سرهنگ تورج کاظمی، رئیس پلیس فتای پایتخت گفت: زنی ۲۲ساله با دردست‌داشتن شکایتی از دادسرای مبارزه با جرائم رایانه‌ای تهران به پلیس فتا مراجعه کرد و گفت در یکی از سایت‌های تبلیغاتی با آگهی فروش ویژه جشنواره زمستانه پالتو و کاپشن‌های چرم برند ترکیه مواجه شد و برای خرید با فروشنده تماس برقرار کرد و مبلغ هفت میلیون ریال را به عنوان پیش‌پرداخت به شماره کارتی که فروشنده اعلام کرده بود، واریز کرد اما نه تنها کالایی دریافت نکرد بلکه فروشنده پاسخ‌گوی تماس وی نیست.

این مقام انتظامی عنوان کرد: تیمی از مأموران پلیس فتا شناسایی هویت متهم و مخفیگاه وی را بر عهده گرفتند و در پایش‌های اطلاعاتی مشخص شد متهم مردی ۳۲ساله ساکن تهران است.

وی با اشاره به اینکه در شاخه دیگری از تحقیقات پلیسی مخفیگاه وی نیز شناسایی شد، گفت: متهم با هماهنگی‌های قضائی در یک عملیات پلیسی دستگیر شد و به پلیس فتا انتقال یافت.

این مقام انتظامی بیان کرد: متهم اعتراف کرد با جمع‌آوری تصاویری از پوشاک در سایت‌های درج آگهی خبر فروش ویژه جشنواره زمستانه پالتو و کاپشن‌های چرم برند ترکیه را تبلیغ و با جذب کاربران اینترنتی، مبالغی به عنوان پیش‌پرداخت دریافت و سپس ارتباطش را با کاربران قطع می‌کرده است.

رئیس پلیس فتای پایتخت به شهروندان تذکر داد: هنگام معامله از طریق سایت‌های تبلیغاتی مراقب کلاهبرداری‌ها و مجرمان سایبری باشید و حتما قبل از پرداخت هرگونه وجهی از هویت فروشندگان و کالای معرفی‌شده مطمئن شوید.

بازداشت سارقان منازل شهرری

● **شرق:** دو سارق حرفه‌ای منزل با ۲۰ فقره سرقت در محدوده شهرری بازداشت شدند. سرهنگ کارآگاه کرم یوسفوند، رئیس پایگاه نهم پلیس آگاهی پایتخت گفت: مأموران کلانتری ۱۳۱ شهرری با تماس تلفنی یکی از شهروندان، فردی را به نام رحیم در محدوده خیابان دیلمان جنوبی در حالی که قصد ورود به پارکینگ منزلی را داشت، دستگیر کردند، این فرد مدعی بود برای خوردن آب قصد داشت وارد پارکینگ شود و اشتباهی او را گرفته‌اند.

رئیس پایگاه نهم پلیس آگاهی پایتخت گفت: متهم در نهایت در تحقیقات پلیسی، لب به اعتراف گشود و به ۲۰ فقره سرقت منزل در محدوده شهرری در محله‌های دیلمان، دولت‌آباد، ۲۴متری و سلمان فارسی اعتراف و اظهار کرد در برخی از سرقت‌ها فردی به نام «حسام» ساکن اسلامشهر با وی همکاری داشت.

این مقام انتظامی با بیان اینکه دستور بازرسی از مخفیگاه متهم از مرجع قضائی اخذ شد، عنوان کرد: در بازرسی از مخفیگاه وی تعدادی اموال سرقتی از قبیل: تلویزیون، لپ‌تاپ، فرش، لوازم منزل، طلاجات و وجوهات نقدی و... به ارزش تقریبی پنج میلیارد ریال کشف و اموال سرقتی به پلیس آگاهی منتقل شد. وی تصریح کرد: در گام بعدی تحقیقات پلیسی، کارآگاهان شناسایی مخفیگاه «حسام» را در دستور کار قرار دادند و در تحقیقات پلیسی فهمیدند حسام با اجاره‌کردن منازل مختلف در شهرستان اسلامشهر مدت کوتاهی در این منازل اجاره‌ای سکونت می‌کند و سپس بدون اطلاع‌دادن به صاحبان ملک و بدون تسویه با صاحبخانه، محل‌ها را ترک کرده و متواری می‌شود.

یوسف‌وند افزود: در ادامه روند رسیدگی به پرونده مشخص شد حسام به اتهام کلاهبرداری توسط عوامل کلانتری ۱۸ اسلامشهر دستگیر شده و اکنون تحت نظر است که با هماهنگی‌های قضائی متهم برای تحقیقات تکمیلی تحویل گرفته شد و در همان بازجویی اولیه به جرم ارتکابی اعتراف کرد. وی افزود: مخفیگاه حسام نیز در اسلامشهر با اخذ نیابت قضائی بررسی شد و از مخفیگاه وی علاوه بر تعدادی اموال سرقتی یک دستگاه خودروی سرقتی ۲۰۷ نیز کشف شد.

این مقام انتظامی اظهار کرد: متهمان درخصوص سرقت خودور اظهار کردند در یکی از سرقت‌ها علاوه بر سرقت اموال و طلاجات مال‌باخته به ارزش چهار میلیارد ریال، خودروی ۲۰۷ وی را سرقت کرده‌اند. رئیس پایگاه نهم پلیس آگاهی پایتخت گفت: تمامی مال‌باختگان شناسایی شده‌اند و با دستور قضائی اموال کشف‌شده به مالکان اصلی آنها تحویل شده است و هر دو متهم با تکمیل پرونده روانه زندان شدند.

قتل همسر سابق به دلیل تصمیم برای ازدواج مجدد

شرق: مردی که همسر سابقش را کشته است، وقتی در جلسه دادگاه حاضر شد، به قتل اعتراف کرد و مدعی شد همسر سابقش به او قول داده بود با کسی دیگر ازدواج نکند.

به گزارش خبرنگار ما، این قتل مرداد سال گذشته در منطقه پیروزی اتفاق افتاد و مرد جوان بعد از کشتن همسر سابقش خود را تسلیم مأموران کرد.

این مرد که حامد نام دارد، قتل را قبول کرد و گفت: من و همسرم از هم جدا شده بودیم. او به من خیانت کرد و بعد هم گفت قصد ازدواج با فرد دیگری را دارد همین باعث شد عصبانی شوم و او را به قتل برسانم. با تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست، متهم روز گذشته برای محاکمه به شعبه ۲ دادگاه کیفری استان تهران برده شد. پدر و مادر مقتول درخواست قصاص کردند و زمانی که نوبت به دختر نوجوان متهم و مقتول رسید، او که لباس یکدست سیاه پوشیده بود وقتی در جایگاه قرار گرفت، به‌شدت گریه کرد. قاضی از او خواست درخواستش را بگوید و بعد گفت در نظر بگیر که این فرد پدرت است و من توصیه به گذشت می‌کنم. دختر نگاهی به دایی‌اش انداخت و در حالی که همچنان گریه می‌کرد، گفت درخواست قصاص دارد. او سپس روی صندلی‌اش نشست. همچنین برای فرزند کوچک مقتول که پسربچه است، نیز درخواست دیه شد. وقتی نوبت به متهم رسید، او اتهام قتل را قبول کرد و گفت: سال‌ها قبل از این حادثه یک روز همسرم همین دختر که حالا برای من درخواست قصاص می‌کند را تحقیر کرد. من عصبانی شدم و زنم را زدم و گفتم بچه مرا تحقیر نکن. بعد از خانه بیرون رفتم تا کمی اعصابم راحت شود و برگردم. وقتی برگشتم، زنم خانه نبود. از کلانتری با من تماس گرفتند و گفتند زنم شکایت کرده و باید به کلانتری بروم. جلوی درِ کلانتری به مادرزنم زنگ زدم و گفتم به دخترت بگوَ شر به پا نکند و برگردد و شکایتش را پس بگیرد اما مادرزنم زیر بار نرفت. من وارد کلانتری شدم و در آنجا دوباره بین من و زنم جروبحث شد و من زنم را زدم. مأمور دخالت کرد، مأمور را هم زدم و به‌دلیل ضرب‌وجرح مأمور و زنم به زندان افتادم. زنم بعد از آن گفت باید حق طلاق را به او دهم تا رضایت دهد. او وقتی در زندان بودم، حق طلاق را از من گرفت و بعد رضایت داد. وقتی به خانه برگشتم، او طلاق گرفته بود و از من خواست همراهش بروم تا صیغه طلاق جاری شود. گفتم طلاقش نمی‌دهم. گفت نمی‌خواهد از من جدا شود فقط می‌خواهد اگر دوباره کتکش زدم، برود و اگر مطمئن شد تغییر رفتار داده‌ام، دوباره زنم شود. من هم برای اینکه زنم بماند، همراهش رفتم.

متهم ادامه داد: بعد از آن ماجرا دوباره به خانه برگشتیم تا اینکه یک شب داشتم برنامه ۹۰ را تماشا می‌کردم. تلفن همراه زنم را آوردم تا هم با تلفن خودم و هم تلفن همراه همسرم پیامک بدهم و در مسابقه شرکت کنم. یک‌دفعه برای زنم پیامکی آمد که در آن نوشته بود فردا بعد از ظهر می‌آیم. از طرف همسرم پیامک دادم مگر تا بعد از ظهر چه‌کار داری عزیزم؟ آن فرد نوشت سر کار هستم. زنم و دخترم را بیدار کردم. به بچه‌ام گفتم مادرت من را متهم می‌کند به اینکه همیشه قبل از پرسش او را کتک می‌زنم حالا تو شاهد باش دارم از مادرت سؤال می‌کنم این فرد کیست. زنم گفت نمی‌داند اما بعد گفت اولین بار است که با آن مرد صحبت می‌کند.

متهم در ادامه جلسه محاکمه توضیح داد: فردای آن روز به زنم گفتم با هم برویم و پرینت تلفنت را بگیر تا من باور کنم. وقتی پرینت را گرفتم، او به همراه بچه‌ها سوار اتوبوس شد و به خانه پدرش رفت با این حال، من زنم را بخشیدم و درگیری ما تمام شد. با اینکه من در پرینت‌ها دیدم که زنم با آن فرد بیش از ۴۰ پیامک ردوبدل کرده بود، به زنم گفتم این رابطه را تمام کن و برگرد.

متهم گفت: زنم مدتی دوباره در خانه من زندگی کرد. هر چه می‌گفتم بیا عقد کنیم، می‌گفت اگر جدا باشیم، بهتر است چون پسرمان می‌تواند کفالت من را بگیرد و سربازی نرود. می‌گفت از کمیته امداد کمک می‌گیرد و با پولی که من هم می‌دهم، بچه‌ها زندگی بهتری دارند.

متهم در حالی که مدام موهایش را می‌کشید و به‌شدت عرق کرده بود، با بغض گفت: بار آخری که زنم به خانه من آمد، شش ماه بود که نیامده بود. پسرمان را آورد تا من او را ببینم. به من گفت این آخرین بار است که خودش بچه را می‌آورد و از دفعه بعد باید کسی را برای آوردن بچه بفرستم. پرسیدم چرا گفت چون قصد دارد با فردی ازدواج کند و حرف‌هایشان را هم زده‌اند.

من خیلی ناراحت شدم. تصمیم خودم را برای قتل گرفتم. همسرم دوغ دوست داشت. من داخل دوغ داروی خواب‌آور ریختم اما نمی‌دانم چه شد که زنم نوشابه برداشت و دوغ را نخورد. پسرم دوغ می‌خواست اما چون داخل دوغ داروی خواب‌آور ریخته بودم، همه آن را خودم خوردم. صبح همسرم بیدار شد و برایم صبحانه آماده کرد. گفتم می‌خواهم دوش بگیرم. رفتم حمام شنیدم که همسرم داشت با همان مردی که زندگی من را خراب کرد و می‌خواست با زنم ازدواج کند، صحبت می‌کرد. بیرون آمدم دستم را دور گردنش انداختم زنم حالش بد شد و افتاد. پسرم مبهوت بود و داشت نگاه می‌کرد. پرسید بابا چه‌کار می‌کنی. گفتم مادرت حالش بد است. می‌خواهم اورژانس خبر کنم حالش خوب می‌شود نترس. پسرم را به اتاق بردم و برایش تلویزیون روشن کردم. او مشغول تماشای کارتون شد و من هم برگشتم و با شال‌گردن زنم او را خفه کردم.

متهم در حالی که بغض کرده بود، ادامه داد: من زنم را دوست داشتم با اینکه خیانت کرده بود، او را بخشیدم. من زود عصبانی می‌شدم. زنم می‌گفت وقتی عصبانی می‌شوی، اصلا نمی‌پرسی چه شده است فقط کتک می‌زنی. به او گفته بودم به من خیانت کردی اما من تو را بخشیدم. من خودم را عوض می‌کنم اما تو هم باید خودت را عوض کنی. تو هم باید به حرف من گوش کنی من هم روی اخلاقم کار می‌کنم اما زنم من را گول زد. او گفته بود بعد از جدایی از من دیگر ازدواج نمی‌کند و فقط به‌خاطر بچه‌ها بهتر است ما جدا از هم زندگی کنیم تا بچه‌ها منفعت مالی بیشتری ببرند و پسرمان هم از سربازی معاف شود. من هم حرفش را باور کردم. نمی‌دانستم دروغ می‌گوید و می‌خواهد با همان مردی که زندگی من را ویران کرد، ازدواج کند.

در این هنگام قاضی خطاب به متهم گفت: اگر همسرت به تو خیانت کرده بود، چرا همان موقع موضوع را به خانواده‌اش نگفتی و چرا حالا این را مطرح می‌کنی. متهم گفت: من اصلا نمی‌خواستم همسرم را بکشم. من واقعا او را دوست داشتم اما وقتی می‌دیدم می‌گوید سر کار رفته اما سر کار نبود، خیلی عصبی می‌شدم. به او قول داده بودم اخلاقم را درست کنم اما او به من خیانت کرد، گولم زد و تصمیم گرفت با فردی دیگر ازدواج کند.

بعد از گفته‌های متهم و وکیل‌مدافع او، هیئت قضات شعبه ۲ برای صدور رأی دادگاه وارد شور شدند.

رخداد

گذشت از قصاص یک سرباز پای چوبه‌دار

● یک سرباز محکوم به قصاص با کمک خیرین، ستاد دیه و دستگاه‌های ذی‌ربط در نیروهای مسلح، پای چوبه اعدام بخشیده شد. رضا صمیمی، رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح استان آذربایجان غربی گفت: خرداد ۹۵ بود که در جریان یک مشاجره لفظی، سربازی هم‌خدمتی خود را به قتل رساند و نهایتا در اردیبهشت سال ۹۶ با حکم شعبه اول دادگاه نظامی یک استان آذربایجان غربی به جرم قتل عمد به قصاص نفس محکوم شد.

او افزود: پس از طی مراحل قانونی، رأی دادگاه بدوی در دیوان عالی کشور تأیید و با استیذان از رئیس قوه قضائیه، اجرای حکم قصاص در دستور کار قرار گرفت و درخواست‌های مکرر خانواده محکوم برای گذشت اولیای‌دم نیز نتیجه نداد، اما ظهور آثار و علائم ندامت و پشیمانی شدید در قاتل، همچنین وقوع قتل بدون برنامه و انگیزه قبلی، مقامات سازمان قضائی نیروهای مسلح را بر آن داشت تا همه تلاش و همت خود را برای گذشت خانواده مقتول به‌کار گیرند.

این مقام قضائی توضیح داد: پس از تلاش‌های بسیار، نهایتا اولیای‌دم رضایت خود را به پرداخت دو میلیارد تومان مشروط کردند که با توجه به فقر مالی خانواده ضارب، در طول نزدیک به دو سال‌ونیم گذشته، امکان عملی‌شدن خواسته آنها فراهم نشد و خواستار اجرای قصاص شدند.

با این اوصاف، اجرای احکام دادسرای نظامی آذربایجان غربی اقداماتی را برای تأمین مبلغ دیه آغاز کرد و با همکاری ستاد دیه استان و نهادهای ذی‌ربط در نیروهای مسلح و همچنین جلب همکاری خیرین، جمعا مبلغ ۸۰۰ میلیون تومان فراهم شد.

رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح استان آذربایجان غربی گفت: در روز اجرای حکم قصاص، درحالی‌که همه مقدمات فراهم بود، با وساطت ۵۰ نفر از خیرین اردبیلی، مسئولان سازمان قضائی نیروهای مسلح، اداره کل زندان استان، معاونت حقوقی یگان ذی‌ربط و ستاد دیه استان، اولیای‌دم در اقدامی انسانی، رضایت خود را اعلام کردند و متهم پس از طی تشریفات قانونی از زندان آزاد شد.

اعترافات عامل گروگان‌گیری در شیرینی‌فروشی

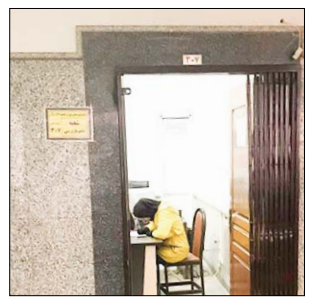

شرق: مردی که بعدازظهر روز شنبه در غرب تهران دست به گروگان‌گیری مسلحانه زده بود، دیروز در دادسرای جنایی تهران بازجویی شد و انگیزه‌اش را از این کار شرح داد. به گزارش خبرنگار ما، این مرد ۳۷ ساله که ابوالفضل نام دارد، ساعت ۱۵:۳۰ روز شنبه وارد یک شیرینی‌فروشی نزدیک میدان آزادی شد و درحالی‌که دو قبضه کلت کمری در دست داشت، دختر شیرینی‌فروش را گروگان گرفت.

این مرد گروگان را چهار ساعت نزد خود نگه داشت تا اینکه بالاخره مذاکرات پلیسی نتیجه داد و او با رهاکردن دختر جوان خودش را تسلیم کرد. ابوالفضل دیروز در دادسرای جنایی تهران تحت بازجویی قرار گرفت و گفت: من ساکن قائمشهر هستم. یک سال و ۹ ماه قبل با این دختر که ۱۹ سال دارد در یک میهمانی آشنا و به او علاقه‌مند شدم. بعد از آن ارتباط ما شروع شد.

من به‌حدی عاشق این دختر بودم که با وجود داشتن همسر و یک فرزند به رابطه‌ام ادامه دادم و بعد از مدتی نیز همسرم را طلاق دادم، اما پس از مدتی فهمیدم پدر این دختر مردی بدهکار است که خودش را از دست طلبکاران پنهان کرده، به‌همین‌دلیل دختر جوان را نزد خودم بردم تا با هم زندگی کنیم.

البته مادرش در جریان این موضوع قرار داشت. متهم ادامه داد: مدتی که گذشت، باخبر شدیم پدر دختر در رشت دستگیر شده است. ظاهرا یکی از طلبکاران او را پیدا کرده بود. من برای آزادی آن مرد ۳۰ میلیون تومان پرداختم. از طرفی برای اینکه عشقم را به این دختر ثابت کنم، نیمی از باغی را که داشتم به نام او کردم، اما مرداد امسال بود که دختر جوان و برادرش ناپدید شدند. پس از آن خیلی ناراحت شدم. تمام زندگی‌ام از دست رفته بود. احساس حماقت می‌کردم. من به‌خاطر یک دختر خانواده خودم را متلاشی کرده بودم و عشقم نیز نتیجه‌ای تلخ داشت. تصمیم گرفتم هرطور که شده او را پیدا کنم.

مرد ۳۷ ساله در ادامه اعترافاتش گفت: مدت‌ها به جست‌وجو ادامه دادم تا اینکه به طریقی فهمیدم برادر دختر به تهران آمده است. خودم راهی تهران شدم و باز هم به جست‌وجو ادامه دادم تا اینکه فهمیدم آنها در خانه‌ای حوالی میدان منیریه زندگی می‌کنند. بعد از آن مطلع شدم دختر جوان در یک شیرینی‌فروشی مشغول به کار است. به هر ترتیبی که بود، شیرینی‌فروشی را پیدا کردم و درحالی‌که سلاح خریده بودم، روزهای پنجشنبه و جمعه به آنجا رفتم، اما دختر را ندیدم. روز شنبه دوباره به همان‌جا سرکشی کردم و دیدم او پشت دخل است. داخل رفتم و با او مشاجره کردم. مردی که در آنجا حضور داشت گفت به پلیس ۱۱۰ تلفن می‌زند.

همان‌موقع بود که من سلاحم را درآوردم. من قصد گروگان‌گیری نداشتم، بلکه می‌خواستم خودم را بکشم، البته قبل از آن باید جواب سؤالاتم را می‌گرفتم.

این مرد ادامه داد: من لیسانس ریاضیات کاربردی دارم و زندگی خوبی داشتم، اما عشق به این دختر همه‌چیز را از من گرفت. حالا هم چیزی برای ازدست‌دادن ندارم و به محض اینکه بتوانم، خودم را می‌کشم. من تا قبل از این هیچ سابقه‌ای نداشتم. پدر دختر جوان که در دادسرا حضور داشت، حاضر به صحبت نشد و فقط گفت اظهارات متهم دروغ است.

بنا بر این گزارش، مرد جوان درحال‌حاضر در بازداشت به‌سر می‌برد و تحقیقات از او ادامه دارد.

ییپش نویس آگهی فقدان سند مالکیت

آقای محمدعادل ارشادی بنمایندگی از مرکز آموزش مدیریت دولتی و مستندا به گواهی تبصره ۴ ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت و طی درخواست وارده بشماره ۴۹۰۹۲۸۱۱ مورخ ۹۸/۱۰/۲۱ و با اعلام اینکه سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین بمساحت ۴۱۸.۷۳ متر مربع بشماره پلاک ۷ فرعی از ۳۵۲۲ اصلی واقع در بخش ۳ تهران اراضی بهجت آباد که ذیل ثبت ۱۰۰۵۶ صفحه ۱۳ دفتر جلد ۸۲ املاک بنام خانم انسیه دمیرلی سیدی اردوبادی ثبت و بشماره چاپی ۴۹۸۵۷۰ صادر و تسلیم گردیده است و سپس مع الواسطه ششدانگ بموجب سند قطعی شماره ۱۴۷۶۸۱مورخ ۸۰/۷/۱ دفترخانه ۲۹تهران به دولت جمهوری اسلامی ایران بنمایندگی مرکز اموزش مدیریت دولتی منتقل گردیده است و نماینده مرکز مزبور ادعای مفقودی سند مالکیت دفترچه ای اخیر الذکر را بعلت جابجایی نموده و تقاضای صدور المثنی اسناد مالکیت پلاک مذکور را نموده است علیهذا در اجرای تبصره ۴ ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت (اصلاحی ۸۰/۱۱/۸) مراتب در یک نوبت در یکی از جراید آگهی میشود تا چنانچه شخص یا اشخاصی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت نزد خود باشند ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار این آگهی اعتراض خود را ضمن ارائه اصل اسناد مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم و رسید دریافت نمایند .بدیهی است در صورت انقضا مهلت مقرر و عدم وصول اعتراض یا در صورت اعتراض اصل اسناد مالکیت یا سند معامله ارائه نگردد طبق مقررات و تشریفات اداری المثنی اسناد مالکیت صادر و تسلیم مالک خواهد شد .

م الف ۲۰۱۰۵ اداره ثبت اسناد ملک و املاک ولیعصر تهران

آگهی اخطار ماده ۱۰۱ آئین نامه اجرای اسناد رسمی

بدینوسیله به آقای فرزین درویش صفت (تهران بازار پاساژ بوعلی سینا ط اول پلاک ۱۴۱) بدهکار /راهن پرونده اجرائی کلاسه ۹۶۰۰۲۶۵ بدینوسیله اشعار میدارد با توجه به گزارش ارزیابی مورخ ۹۷/۱۲/۲۱ کارشناس رسمی دادگستری پلاک ثبتی شماره ۷۲/۵۶۶۶ واقع در بخش ۱۱ تهران مورد وثیقه سند رهنی شماره ۱۳۲۱۴۴ تنظیمی دفترخانه ۸۴ تهران به مبلغ ۱۸/۳۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده لذا چنانچه به مبلغ ارزیابی پلاک مذکور معترض میباشید میتوانید اعتراض کتبی خود را ظرف مدت ۵ روز از تاریخ انتشار این آگهی ضمیمه فیش بانکی دستمزد کارشناس تجدید نظر به مبلغ ۲۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب سیبا ۰۱۰۳۱۳۴۸۰۰۰۰۱ نزد بانک ملی به نام کانون کارشناسان رسمی دادگستری به دفتر این اداره واقع در چهارراه جهان کودک ساختمان معاونت اجرای اسناد رسمی طبقه دوم تسلیم و ضمنا به اعتراضی که خارج از موعد و یا فاقد فیش بانکی دستمزد کارشناس تجدید نظر باشد ترتیب اثر داده نخواهد شد و چنانچه مورد وثیقه بیمه میباشد مراتب را به این اداره اعلام نمایند.

رئیس اداره سوم اجرای اسناد رسمی م الف ۲۰۱۱۳

آگهی ابلاغ اخطاریه ماده ۸۷

بدینوسیله به آقای حمید پژمان آرین به نشانی شمیران شهید کلاهدوز دیباجی جنوبی پ ۱۲واحد۹ در خصوص کلاسه اجرائی شماره فوق بدینوسیله اعلام میدارد که سهمی شما از پلاک ۱۷۰/۴۲۷۳۳ متعلق به شما در قبال طلب مریم رادمنش بازداشت گردیده لذا طبق ماده ۸۷ آئین نامه اجرای مراتب بشما خطار میشود ضمنا هرگونه نقل و انتقالی از طرف شما نسبت به مورد بازداشت ممنوع است و ترتیب اثر داده نمی شود و مراتب جهت اطلاع آگهی میشود . رئیس اجرای اسناد رسمی کرج م الف ۲۰۱۰۳

آگهی ابلاغ اجرائیه وفق ماده ۱۸ آئین نامه اجرای اسناد رسمی

بدینوسیله به آقای پرویز نوری زاده برابی فرزند مهدی دارای کد ملی ۱۷۲۹۳۷۹۵۰۸ به نشانی تهران خیابان صفا چهارراه ایرانمهر کوچه شاکری پلاک ۸ ابلاغ میشود خانم لیلا رحیمی چاکری به استناد سند ازدواج شماره ۵۳۶۶-۶۵/۱/۲۹ دفتر ازدواج شماره ۴۰۴ و طلاق ۱۸۸ تهران جهت وصول مبلغ سیصد هزار تومان علیه شما مبادرت به صدور اجرائیه نموده و پرونده اجرائیه به کلاسه ۹۸۰۴۲۶۴ در این اداره تشکیل شده و در جریان است لذا با توجه به اینکه ابلاغ اجرائیه به شما در آدرس متن سند میسر نشده مراتب از طریق درج در روزنامه به شمار ابلاغ میگردد مقتضی است حداکثر ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی نسبت به پرداخت بدهی خود نمائید در غیر اینصورت عملیات اجرایی علیه شما ادامه خواهد یافت. م الف ۲۰۱۰۷رئیس اداره پنجم اجرای اسناد رسمی تهران

آگهی ابلاغ اجرائیه کلاسه ۹۸۰۱۰۷۱

بدینوسیله به آقای مهدی وجدان گوئی بدهکار پرونده کلاسه ۹۸۰۱۰۷۱ که برابر گزارش مامور اجرا شناخته نگردیده اید ابلاغ میگردد که تعداد ۷۰۰ سکه طلا تمام بهار آزادی طرح قدیم بابت مهریه به خانم سارا ناصحی بیجاربنه بدهکار میباشید که بر اثر عدم پرداخت وجه بستانکار درخواست صدور اجرائیه نموده پس از تشریفات قانونی اجرائیه صادر و بکلاسه فوق در این اجرا مطرح میباشد لذا طبق ماده ۱۸/۱۹ آئین نامه اجرائی مفاد اسناد رسمی بشما ابلاغ می گردد از تاریخ انتشار این آگهی که تاریخ ابلاغ اجرائیه محسوب است فقط یک نوبت در روزنامه درج و منتظر می گردد ظرف مدت ده روز نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام و در غیر اینصورت بدون انتشار آگهی دیگری عملیات اجرائی طبق مقررات علیه شما تعقیب خواهد شد .

م الف ۲۰۱۰۸رئیس اداره اجرای اسناد رسمی رشت

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۸۹۴۲۰۳۵